

## بسم الله الرحمن الرحيم

### شرح خطبه فدکیه - جلسه پانزدهم

دستگاه خلافت برای مواجهه با ادعای حضرت زهرا سلام الله علیها دو رویکرد اتخاذ کردند: یک، پذیرفتند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات، مالک اموالی بودند و اگر کسی ادعا دارد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات چیزی به عنوان هبه به آن ها بخشیده باید شهود بیاورند. دو، این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اصلا اموالی نداشتند، بلکه اموال حضرت، طعمه ای بوده و از آن استفاده می کردند و بعد از رحلت ایشان متعلق به مسلمین است. یا اینکه اگر هم چیزی داشتند همه را قبل از وفات واگذار کردند. رویکرد دوم سنگین تر است و ظاهرا از نظر زمانی متاخر است و نشان دهنده موفق بودن رویکرد اول است، در رویکرد دوم دیگر شهود معنی پیدا نمی کند چون ملکیت وجود ندارد. پاسخ رویکرد دوم:

۱. مضمون عمده گزارشات رویکرد اول است و مالکیت حضرت را در فیء بخشیده اند و معتقدند ما ترک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صدقه است، یعنی متعلق به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. شاهد دیگر این مطلب اینکه ملکیت به رسمیت شناخته شده گزارش از کتاب بلازوری از شخصی به نام عروه بن زبیر است، ابن زبیر: همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عثمان را پیش ابوبکر فرستادند برای اینکه میراث های خود را از سهم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فدک و خیبر تقاضا کنند.
۲. عایشه به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: آیا از خدا تقوا نمی کنید؟ آیا از پیغمبر نشنیده اید که فرمودند: پیامبران علیهم السلام ارث از خود باقی نمی گذارند و

آنچه از ما باقی می ماند صدقه است، اموالی که می بینید برای اهل بیت علیهم السلام من است الان مالکم و وقتی از دنیا بروم به دست ولی امر بعدی است. بعد از این بیانات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ساکت شدند. نکات این گزارش این است که عایشه ظاهراً کم سن ترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده، شخصیتی با چنان سابقه در مقابل همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مثل ام سلمه و ام حبیبه که سن و سال بالاتری داشتند، آن ها را متهم به بی تقوایی می کند، شاید گفته شود منظور این است که شما توجه ندارید. بین ۹ همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فقط او این مطلب را شنیده است؟ تمام مواقع و مواضعی که در صحنه اجتماع بوده عکس این موضوع بوده و بقیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را از رفتارهایش منع می کردند. نکته دیگر اینکه واسطه این تقاضا عثمان بوده است، هم زمان هم همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و هم عثمان متهم به بی تقوایی می شوند، واضح است چرا عثمان مورد اتهام قرار می گیرد و این به سابقه بین عایشه و عثمان برمی گردد.

۳. بعد از خلافت عثمان وقتی مساله سهام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در زمان عمر تعیین شده بود مطرح شد، حضرت علی علیه السلام توسط نامه ای عایشه را تنبه می دهند و می فرمایند: «وقتی منافع خود را در خطر دیدید، گفتید: عثمان کافر شده، خدا او را بکشد. مگر شما از مدینه خارج نشدید به نشانه اعتراض به عثمان؟ وقتی خبر مرگ او را شنیدید خون خواه عثمان شدید؟ بعید نیست عایشه، عثمان را متهم کند.» نکته بعد اینکه: عایشه از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «اگر من از دنیا رفتم این اموال متعلق به ولی امر بعدی است.» واضح است همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از اعتبار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای پدر خود خرج کند. حقیقت به نفع چه کسی تحریف می شود؟ نکته بعد اینکه: شما

بگویند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اموالی را بر جا نگذاشتند و همه متعلق به مسلمین است و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این مطلب را می دانند، باز در عین حال با وجود آگاهی ادعای چنین اموالی را از اموال مسلمین می کنند؟ پس اگر اموالی بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مالک بودند چطور با گذشت زمان اصلاً مالکیت را نفی کردید؟ دو رویکرد اتخاذ شده است اگر در یک مبنا جلو می رفتید قابل توجیه بود ولی از شاخه ای به شاخه دیگر رفتن نشان از باطل بودن ادعاست. هدف وسیله را توجیه کرده است و هر رطب و یابسی را مطرح کردید. هدف شما سرکوب جریان رقیب بوده تا جایی که حقوق اقربای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نفی کردید. نکته بعد این که: منازلی که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آنها ساکن بودند؛ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مالی نداشتند و فقط به عنوان حاکم آنها را در اختیار داشتند، پس چرا پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باز هم در اختیار همسران ایشان بود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این منزل را در اختیار آنها قرار دادند و اگر ملک شخصی نبود چرا ادعا نکردید این منازل ملک مسلمین است و باید آنها را تحویل بدهند؟

۴. چرا از دختر خود درخواست کردید او اجازه بدهد در جوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفن شوید؟ اگر منزل دختر شما از اموال مسلمین بوده چرا از او اجازه گرفتید؟ این سخنان صد در صد باطل است و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در اموال خود مالک بودند. صفایا یعنی اموالی که مالکیت آن مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. اصطلاحاً یعنی اموالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از تقسیم غنایم مالک می شوند. در انصاب بلاذوری ذکر اموالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از غنیمت بهره داشتند و سهم ایشان بود، آمده است. گزارش ها در مورد صفایا: یکی اینکه خالصه از ابن اسحاق: ذیل آیات سوره حشر؛ بنی نظیر خالصه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود؛ یعنی

فیء و مال شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. عمر ذیل این گزارش به دو طریق نقل شده که گفته پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه تا صافیه داشتند (ملک خالصه)؛ بنی نظیر خیبر و فدک. دوم این که: صفایا در عرب قبل از اسلام رسم بوده در جنگ ها وقتی غنیمت می گرفتند قبل از تقسیم یک سری اموال، خاص بود و قابل تقسیم نبود و تقسیم آن منجر به منازعه می شد این اموال به شیخ عشیره می رسید. این صفایا رسم جاهلی بود و اسلام آن را امضا کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این صفایا را در اختیار می گرفتند. در گزارشی آمده آن چیزی که از غنیمت ها حضرت آن را برگزیدند یکی از آنها صفایا بود راوی: پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هم مثل بقیه مسلمین سهمی برای خود قرار می دادند؟ بله راوی: اینجا جدای از خمس است؟ بله پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه قسم اموال در غنیمت ها داشتند؛ یک، صفایا دو، سهمی مثل بقیه مسلمین سه، خمس.

۵. در بعضی گزارشات صفایا را با مشخصات دقیق نام برده اند: در روز بدر ذوالفقار که متعلق به یکی از مشرکین بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان صفی آن را مالک شدند و بعد به امیرالمومنین علیه السلام بخشیدند. در جنگ قیقاع، زرهی را مالک شدند. در یوم بنی نظیر، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کنیزی به نام ریحانه را مالک شدند. در جنگ خیبر، صفیه را مالک شدند و او را آزاد کردند و به همسری انتخاب کردند. در جنگ حنین اسبی را تصاحب کردند. کسانی که غدیر را منکر شدند، انکار هر مطلب دیگری برایشان آسان می شود. وجه بعدی آیات فیء است، می گویند تصرف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان ولی امر بوده و خلیفه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می تواند اموال را تصرف کند، (آن چیزی که خداوند به پیامبرش برگرداند آنچه با مصالحه و سازش به دست آمده) و این حاکی از یک تقسیم است، یعنی غنایم دو جور است؛ یک نوع از غنایم بعد از جنگ و مقاتله به دست می آید و

سنخ دیگر بدون جنگ به دست می‌آید؛ آنچه با جنگ به دست می‌آید غنیمت است و باید بین مسلمین تقسیم شود ولی آنچه با صلح به دست می‌آید متعلق به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ذوی القربی است. در اینجا مسئله مالکیت است در زمان جنگ شما مالک هستید ولی اگر نجنگیدید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مالک هستند. اینجا در مورد ملکیت غنایم بحث شده، نه اینکه گفته شده اگر نجنگیدید دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است ولی متعلق به مسلمین است. قلاع خیبر و بنی نضیر و فدک که در صلح به دست آمدند همه فیء هستند و ملک حضرت بودند و ایشان در آنها تصرف مالکانه داشتند، اگر حضرت تصرف مالکانه نداشتند، چرا بعضی از اموال را وقف کردند؟ یا اینکه بعضی زمین‌ها را به مهاجرین واگذار کردند؟ وقف تابع مالکیت است؛ مثلاً گفته می‌شود فدک را وقف کردند پس در این صورت باید مالک بوده باشند.

حوزه مجازی مهندس طلبه: [www.onlinehawzah.com](http://www.onlinehawzah.com)

شبکه‌های اجتماعی: [@onlinehawzah\\_com](https://www.instagram.com/onlinehawzah_com)

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم